

انسجام در پژوهش کیفی

مجتبی ویس مرادی^۱، دکتر مهوش صلصالی*^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
۲. استاد، گروه داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انسجام به معنی تطابق میان عناصر پژوهش نظیر هدف کار، دیدگاه فلسفی پژوهشگر، نقش پژوهشگر در مطالعه، روش ارزشیابی و نقد مطالعه است. هدف این مطالعه بستر سازی برای شفاف نمودن یکی از مسائل مهم روش شناسی کیفی تحت عنوان انسجام است که معمولاً هنگام طرح ریزی و انجام پژوهش کیفی کمتر مدنظر پژوهشگران قرار می گیرد.

مواد و روش ها: جهت ارائه مقاله مروری حاضر، پژوهشگران با استفاده از موتورهای جستجوی عمومی و اختصاصی و نیز مطالعه کتابخانه ای بر روی کتب روش پژوهش کیفی علوم بهداشتی و علوم اجتماعی، مطالعه ای عمیق برای بررسی مقوله انسجام در روش شناسی کیفی و نکات ضروری و درعین حال فراموش شده آن پرداختند. نتیجه این جستجو دستیابی به ۹۵ مقاله و ۲۰ کتاب بود. از این میان با وجود اهمیت و تأکید زیاد بر مفهوم انسجام در روش شناسی کیفی، فقط ۲۳ مقاله و ۷ کتاب بیشتر از سایرین بدان پرداخته بودند که از داده هایشان برای نگارش این مقاله استفاده شد.

یافته ها: نتایج مرور مقالات و کتب منجر به سازماندهی مطالب در چهار طبقه کلی تحت عنوان های تعریف انسجام، مصادیق عدم انسجام در روش شناسی کیفی، علل عدم وجود انسجام و در نهایت راهکارهای ارتقاء انسجام روش شناسی کیفی گردید.

نتیجه گیری: عوامل مختلفی زمینه ساز عدم انسجام پژوهش های کیفی می شوند. عدم انسجام در پژوهش کیفی سبب کاهش دقت و اعتبار یافته های پژوهش ها شده و در طولانی مدت منجر به تنوع بی حد و حصر روش های پژوهش کیفی و ناتوانی در قضاوت در مورد کیفیت گزارشات می شود.

کلید واژه ها: انسجام، اعتبار، روش شناسی کیفی.

مقدمه

کیفی، آن را با دارا بودن مشخصات و ویژگی هایی که از روش شناسی کمی متمایز است تعریف می کنند؛ بدین معنی که روش شناسی کیفی مشتمل بر کشف جنبه ها و عناصر درهم تنیده شده پدیده ها است. در صورتی که در مطالعات کمی از مقیاس های اندازه گیری برای خلاصه کردن، مجزا کردن و محدود نمودن متغیرها استفاده می شود. زمانی که مطالعات کمی بر عوامل و روابط مشاهده شده در جمعیتی بزرگ متمرکز می شوند، بسیاری از مطالعات کیفی با موقعیت هایی اختصاصی و تجارب افراد مشارکت کننده در مطالعه سروکار دارند. هر چند این امکان وجود دارد تا با هدایت پژوهش کمی توجه خود را به فرآیندها و متغیرهای خاص نظیر اخلاق، مسائل بین فردی، زمینه و فرهنگ معطوف داشت؛ ولی بررسی چنین متغیرهایی جزء ذاتی روش شناسی کیفی است. بنابراین، روش شناسی کیفی مشتمل بر مجموعه از روش های پژوهش

پژوهش کیفی با وجود کاربرد فراوان در علوم بهداشتی و سلامت، از آنجایی که اصالتاً در علوم اجتماعی ظهور و بلوغ یافته است برای متخصصین مراقبت بهداشتی و پژوهشگران با دیدگاه علوم طبیعی، نا آشناست (Pope & Mays, ۲۰۰۶). از طرفی جدید بودن این روش نیز در مشکلات پیش آمده پیرامون درک و کاربرد آن بی تأثیر نبوده است (Yardley, ۲۰۰۰؛ صلصالی و همکاران، ۲۰۰۷a). حامیان روش شناسی

*نویسنده مسئول مکاتبات: تهران، میدان توحید، خیابان شهید
میرخانی، دانشکده پرستاری و مامایی تهران، کد پستی: ۱۴۱۹۷۳۳۱۷۱
آدرس پست الکترونیک: m_salsali@hotmail.com

یافته ها

نتایج مرور مقالات و کتب منجر به سازماندهی مطالب در چهار طبقه کلی تحت عنوان های تعریف انسجام، مصادیق عدم انسجام در روش شناسی کیفی، علل عدم وجود انسجام و در نهایت راهکارهای ارتقاء انسجام شد. مطالب هر مبحث آمیخته ای از مطالب مقالات و کتب به انضمام بحث پیرامون اهمیت و تأثیر موارد مختلف بر انسجام در روش شناسی کیفی است.

تعریف انسجام

انسجام به معنی تطابق میان عناصر پژوهش نظیر هدف کار، دیدگاه فلسفی پژوهشگر، نقش پژوهشگر در مطالعه، روش ارزشیابی و نقد مطالعه و در کل معرفت شناسی (Epistemology) آن است (Finlay & Ballinger, 2006). به عبارتی دیگر، انسجام مبتنی بر وجود تناسب بین سوال پژوهش، دیدگاه فلسفی، روش انتخاب شده برای پاسخ به سوال پژوهش و رویکرد تجزیه و تحلیل داده هاست. مثلاً اگر هدف پژوهش یافتن دیدگاه افرادی است که از بیماری خاصی رنج می برند، طرح مطالعه پدیدار شناسی (Phenomenology) و تجزیه و تحلیل داده های بدست از مصاحبه با افرادی که مستقیماً با آن بیماری سر و کار دارند به استفاده از روش ترای انگولیشن (Triangulation) با هدف دریافت درک و تجارب بیمار و متخصصین مراقبت بهداشتی ترجیح داده می شود (Yardley, 2000). در مجموع اگر انسجام پژوهش رعایت شود، تمام عناصر پژوهش به یکدیگر مرتبط خواهند شد و دانش بدست آمده از پژوهش زیر چتر سوال پژوهش قرار خواهد گرفت. برای اینکه دید کاملی از انسجام روش های کیفی بدست آید اول بایستی تفاوت های میان روش ها را مورد بررسی قرار داد (Holloway & Todres, 2005). در مجموع، ویژگی اصلی انسجام ایجاد پل ارتباطی میان تفکر و فلسفه بنیادی پژوهش همچنین مسیر طرح و ابعاد اجرایی آن است. ولی با وجود چنین اهمیتی، در قریب به اتفاق پژوهش ها بدان توجه نمی شود که مبحث بعدی مثال هایی کلی را در این زمینه ارائه خواهد داد.

مصادیق عدم انسجام در روش شناسی کیفی

مطابق با مقالات و کتب روش شناسی کیفی، موارد زیادی از عدم رعایت مفهوم انسجام وجود دارد. جالب اینکه بیشترین میزان مشکلات به روش های پژوهش تئوری زمینه ای (Grounded theory) و پدیدارشناسی (Phenomenology)

است که بعنوان مکمل روش شناسی کمی بینش تازه ای در دانش بشر خلق نموده است (Green & Thorogood, 2004؛ Yardley, 2000). نباید فراموش کرد که روش شناسی کیفی به این دلیل کاربرد دارد که دانش و تجربه ما از دنیای اطرافمان نمی تواند صرفاً از ارزشیابی محسوسات، واقعیات خارجی و عینیات بدست آید بلکه محتاج دیدگاه ذهنی و آمیخته با زمینه و فرهنگ و ساخت ذهن خودمان است (Ritchie & Lewis, 2003؛ صصلالی, 2004).

باید در نظر داشت که ناتوانی در تعریف پرستاری بدلیل کُندی توسعه بدنه دانش (Body of knowledge) آن بوده و در عین حال این کُندی را می توان تا حدودی مسبب ناتوانی در درک کامل و عمیق پژوهش پرستاری دانست (Corben, 1999؛ صصلالی و همکاران, 2007b). بنابراین، ارائه مقالاتی مروری از این دست می تواند تا حدودی در ارتقای دانش حرفه ای پژوهش مفید باشد و نقاط ضعف دانش را پوشش دهد. اگرچه هدف نویسندگان این مقاله ارائه تصویری جامع از ویژگی های روش شناسی کیفی نیست؛ از آنجایی که خوانندگان این مقاله قطعاً با اصطلاحات کلیدی و اصول آن آشنایی دارند. بنابراین هدف این مطالعه بستر سازی برای شفاف نمودن یکی از مسائل مهم روش شناسی کیفی تحت عنوان انسجام (Coherence) است که معمولاً هنگام طرح ریزی و انجام پژوهش کیفی کمتر مدنظر پژوهشگران قرار می گیرد.

مواد و روش ها

جهت ارائه مقاله مروری حاضر، پژوهشگران با استفاده از موتور جستجوی عمومی مانند Google Scholar و سپس اختصاصی تر نظیر Springer، ScienceDirect، Wiely InterScience، ProQuest و در ادامه مطالعه کتابخانه ای بر روی کتب روش پژوهش کیفی علوم بهداشتی و علوم اجتماعی، مطالعه ای عمیق برای بررسی مفهوم انسجام (Coherence) در روش شناسی کیفی و نکات ضروری و در عین حال فراموش شده آن انجام دادند. واژه های انتخابی برای جستجوی منابع جمع آوری داده ها شامل: انسجام (Coherence) و روش شناسی کیفی (Qualitative methodology) بود. نتیجه این جستجو دستیابی به ۹۵ مقاله و ۲۰ کتاب روش شناسی کیفی بود. از این میان با وجود اهمیت و تأکید زیاد بر مفهوم انسجام در روش شناسی کیفی، فقط ۲۳ مقاله و ۷ کتاب بیشتر از سایرین بدان پرداخته بودند که از داده هایشان برای نگارش مقاله حاضر استفاده شد.

عنصر از روش تئوری زمینه‌ای می باشد. عناصر دیگر شامل جمع آوری و تجزیه و تحلیل مکرر داده ها و نمونه گیری نظری تا رسیدن به اشباع داده هاست. یکی از رایج ترین اشکالات مقالات چاپ شده اینست که نویسندگان مدعی اند روش تئوری زمینه‌ای بکار رفته است در صورتی که فقط فرآیند جمع آوری داده هایشان مبتنی بر این روش بوده است نه کل مراحل مطالعات. برای اینکه پژوهش بدرستی نام تئوری زمینه‌ای را برگزینند می بایستی مصاحبه ها و تجزیه و تحلیل به طور هم زمان انجام پذیرفته و نمونه گیری در پاسخ به درون مایه های (Themes) در حال تکوین انجام شود (Kennedy & Lingard, 2006).

در ادامه، گزارشات پژوهشی زیادی با روش تئوری زمینه‌ای به چاپ رسیده که بُعد دیگر انسجام در طول اجرای پژوهش بچشم نمی خورد؛ مثلاً مراحل اجرای کار بر اساس آنچه توسط ابداع کنندگان این روش مطرح شده پیموده نشده است (Eaves, 2001). در این میان اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin) به خاطر انحراف از روش اولیه تئوری زمینه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته اند و گلیرز (Glaser) به عنوان مبدع تئوری زمینه‌ای، روش اشتراوس و کوربین را تئوری زمینه‌ای نمی داند و ویژگی‌ها آن را اجبار در نسبت دادن داده ها به تئوری و نه انتظار در تکوین آن بیان می کند (Eaves, 2001; Jeon, 2004). از طرفی فقدان شفافیت و ناسازگاری هایی که مقالات منتشر شده در زمینه رویکرد تئوری زمینه‌ای را در بر گرفته منجر به توسعه و ساخت روش های جدید روش تئوری زمینه‌ای شده که با متأثر ساختن سایر پژوهش‌های بعد خود، مقالاتی به چاپ رسیده اند که هیچ شباهتی با روش اصلی اجرای پژوهش نداشته و درعین حال مراحل روش شناسی آن ها برگرفته از مقالاتی بوده که از روش اصلی منحرف شده اند (Eaves, 2001; Willig, 2008). همونوا با این دیدگاه‌ها باید گفت پژوهشگری که از روش تئوری زمینه‌ای استفاده می کند معمولاً نسخه جدید از این روش و با ادعای قرار گرفتن در چهارچوب مبدعان اولیه آن ایجاد می نماید (Eaves, 2001).

در سطح جزئی تر روش شناسی کیفی نیز، مواردی از عدم انسجام دیده می شود. جالب اینست که در فرآیند نقد پایان نامه ها و مقالات، ماهیت نمونه گیری و اندازه نمونه دست مایه انتقاد از تعمیم پذیری و بطور کلی روایی روش شناسی کیفی از سوی ناظرین می شود. این انتقاد به طور کلی زیر سوال است چون تعمیم پذیری روش شناسی کیفی به تئوری زیربنای روش پژوهش بر می گردد نه به جمعیت. این موضوع از این نظر سبب سردرگمی می شود که پژوهشگران کیفی با استناد

نسبت داده شده که شاید علت آن فراوانی استفاده از آن ها و تعدد چاپ مقالات حاصل از این دو رویکرد بوده است. به عنوان اولین مصداق عدم وجود انسجام باید به سوء تفاهمات و بد درکی‌ها (Misunderstandings) در حیطه پژوهش کیفی اشاره کرد. برخی از این بد درکی ها به دلیل فقدان دانش در زمینه علوم اجتماعی یا نا آشنایی با واژه شناسی (Terminology) کیفی بوده که منجر به کاربرد نابجای واژگانی نظیر رویکرد کیفی (Qualitative approach)، روش کیفی (Qualitative method) و روش شناسی کیفی (Qualitative methodology) شده است. رویکرد، ترکیبی از دیدگاه معرفت شناختی در زمینه ماهیت مطالعه، نوع دانش تولید شده و راهکارهای مطالعاتی سازگار با آن است (Holloway & Todres, 2005). در صورتی که روش، اصطلاحی محدودتر از رویکرد است و به روش های خاص استفاده شده در جمع آوری داده ها اشاره دارد (Pope & Mays, 2006). اصطلاح روش شناسی کیفی به کثرت و تعدد پژوهش های کیفی اشاره داشته و تاکید می کند که پژوهش کیفی صرفاً متشکل از یک روش نیست بلکه مجموعه ای از "رویکردهای" کاملاً مستقل و متفاوت ایجاد دانش است (Yardley, 2000).

در نگاهی دیگر، تخطی از روش شناسی در برخی مقالات بگونه ای بوده که هدف کار، تئوری زمینه‌ای بیان شده ولی با نگاهی به فرآیند مطالعه مشخص می شود که استفاده از نام تئوری زمینه‌ای برای آن ها کاملاً اشتباه است و مطالعات بیشتر نمایش دهنده گونه ای ساده از تجزیه و تحلیل کیفی هستند. این تخطی‌ها شامل: مطالعه ای که هیچگونه شواهدی از مفهوم سازی (Conceptualization) ندارد، مواردی که فرآیند روانی-اجتماعی (Psycho-social) را توضیح نمی دهند و مواردی که بجای تکوین تئوری، تئوری را به مطالعه لقاء نموده اند. در چنین مواردی بهتر است روش جدید را تئوری زمینه‌ای اصلاح شده (Modified) نامیده می شود (Cutcliffe, 2005).

روش تئوری زمینه‌ای رویکردی تناوبی یا چرخه ای است (Cyclic) نه خطی (Linear). ممکن است برخی پژوهشگران به صورت ناقص آنرا انجام داده و زودتر از موعد آنرا به اتمام برسانند. مثلاً صرفاً خود را به دستیابی به مفاهیم، طبقات و تئوری هایی که در داده ها به اشباع نرسیده اند محدود نموده و به اصطلاح تئوری توصیفی بدون عمق مفهومی مطلوب و فرآیند اجتماعی پایه (Social Process Basic) بدست آوردند (McCann & Clark, 2003). فرآیند تجزیه و تحلیل تنها یک

مانع انجام مطالعه روی موضوع پژوهش قبلی می شود. بنابراین، وضوح فرآیند و روش اجرای کار حیاتی است (Braun & Clark, ۲۰۰۶).

نتیجه کلی که زنگ خطری برای پژوهشگران محسوب می شود این است که تخطی از آنچه در کتب و مقالات معتبر تحت عنوان چارچوب و حیطه پژوهش های پدیدار شناسی و تئوری زمینه ای شناخته شده و به وفور در گزارشات پژوهشگران دیده می شود سبب به وجود آمدن ابهام روش (Method slurring) گردیده است. متأسفانه برای برخی پژوهشگران عجیب نیست که هدف اصلی در قالب استفاده از یکی از این رویکردها است ترکیبی از عناصر روش های مختلف بکار گرفته شده است (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰؛ Madill & Gough, ۲۰۰۸). بنابراین بایستی با تشخیص این نقاط، مانع از افزایش این مشکل و کاهش کیفیت پژوهش ها شد.

علل عدم وجود انسجام

به عنوان اولین دلیل، امروزه بین پایه های فلسفی و پدیدارشناسی های ارائه شده در مقالات پرستاری ارتباطی وجود ندارد که سبب بروز ابهام روش شناسی مقالات شده است (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰). متون پرستاری هم اکنون شروع به ابراز نگرانی در مورد انجام مطالعات پدیدارشناسی و عدم پایبندی پژوهشگران به بنیان های فلسفی آن نموده اند (Mackey, ۲۰۰۵). این عقیده وجود دارد که فقدان انسجام مطالعات مساوی با فقدان اعتبار و در نهایت کم شدن قابلیت پذیرش این مطالعات توسط جامعه پژوهش است. جالب اینکه از دید بسیاری از پژوهشگرانی که پایه فلسفی کارشان را بخوبی نمی شناسند، پدیدارشناسی فقط یک رویکرد (Approach) است و نه یک روش با فرآیند مشخص (Method)، بنابراین، تعیین دقیق فرآیند انجام آن امکان ناپذیر است (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰؛ Ulin و همکاران، ۲۰۰۸). گفته شده که استفاده از روش های انجام پدیدار شناسی بدون توجه به تناسب روش با محتوی منجر به استفاده نادرست از آن شده است (Corben, ۱۹۹۹؛ Mackey, ۲۰۰۵). مثلاً مصاحبه کردن مترادف با روش شناسی کیفی شده و حتی ممکن است روش پذیرفته شده جمع آوری داده ها بدون توجه به روش پژوهش در نظر گرفته شود. ولی فرض صحیح آنست که مصاحبه به عنوان روش جمع آوری داده ممکن است با اصول بنیادین و فلسفی روش شناسی تئوری زمینه ای و پدیدار شناسی ناسازگار باشد (Bunch, ۲۰۰۴). در این زمان این اصول باید راهنمای پژوهشگر برای انتخاب روش مناسب جمع آوری داده ها باشد نه تجارب گذشتگان و سنت

به نمونه گیری و مسائل آن، کیفیت و محتوی پژوهش کیفی را ارزشیابی می کنند بصورتی که ارزش مشکلات نمونه گیری این نوع پژوهش را مساوی با نمونه گیری پژوهش کمی پیمایشی یا تجربی می دانند (Stenbacka, ۲۰۰۱). یا استفاده از مصاحبه به عنوان تنها وسیله جمع آوری داده ها در تئوری زمینه ای سبب تمرکز پژوهشگر بر تجارب زنده مشارکت کنندگان می شود بجای اینکه متمرکز بر فرآیندهای اجتماعی رخ داده در طول زمان شود (McCann & Clark, ۲۰۰۳). انواع نیمه ساختاری (Semi-structured) و روایتی (Narrative) مصاحبه از سوالات باز و غیر هدایت کننده استفاده می کنند و موجب آشکار شدن داستان های شخصی شده و با حداقل دخالت پژوهشگر همراه است (Stenbacka, ۲۰۰۱). از طرفی گلیرز اشاره می کند که پژوهشگر تئوری زمینه ای هرگز در مصاحبه سوالات مستقیم نمی پرسد چون مانع تکوین داده ها می گردد (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰). هرچند در اکثر پژوهش های کیفی از این دست سوالات روایتی دیده نمی شود و در عین حال سوالات مستقیم از مشارکت کنندگان پرسیده شده است.

در برخی از پژوهش های کیفی اغلب به صراحت رویکرد تجزیه و تحلیل داده ها بیان نشده است یا حداقل به نظر می رسد تجزیه و تحلیل درون مایه ای (Thematic analysis) مورد استفاده قرار گرفته ولی ادعا می شود که تجزیه و تحلیل محتوی (analysis Content) و یا سایر رویکردهاست (Braun & Clark, ۲۰۰۶). این موارد حاکی از غلبه تجارب نویسندگان مقالات بر فرآیند پژوهش و نه یافته ها و کتب علمی معتبر روش پژوهش است.

در مرحله تجزیه و تحلیل روشن است که تجزیه و تحلیل داده های روش شناسی کیفی صراحتاً تفسیری، خلاقانه و شخصی تر از روش شناسی کمی است. اگرچه نایبستی نتیجه گرفت که در عین حال غیر نظام مند و غیر دقیق است (Stenbacka, ۲۰۰۱). مثلاً اگر از مطالعه ای تئوری زمینه ای بیش از دو متغیر هسته ای (Core variables) بدست آید می توان نتیجه گرفت که جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها ناکامل بوده است (Bunch, ۲۰۰۴) و هیچ پژوهشگری نمی تواند با استناد به خلاقانه بودن نتایج خود بر این کار مهر تأیید بزند. نکته مهم اینست که اگر ندانیم که پژوهشگران چگونه داده هایشان را تجزیه و تحلیل نموده اند یا چه پیش فرض هایی در زمینه تجزیه و تحلیل داشته اند، ارزشیابی کارشان بسیار مشکل شده و نیز مقایسه آن با سایر کارها و تکرار مجدد مطالعه آن ها امکان پذیر نخواهد بود. همچنین

منحرف می شوند. نمونه مشخص این مشکل بین تئوری زمینه‌ای و رویکردهای آنالیز محتوی (Content analysis) و درون مایه ای (Thematic analysis) دیده می شود. در اغلب پژوهش‌های گراند تئوری، مراحل گدگذاری منطبق بر آنالیز درون مایه ای است. بنابراین، وقتی نام تئوری زمینه‌ای بر پژوهشی گذاشته می شود باید تعهدات تئوریک و حرکت بسوی یافتن تئوری وجود داشته باشد (Holloway & Todres, 2003). آنالیز درون مایه ای متمرکز بر گدگذاری داده های کیفی است. در این روش، خوشه هایی از متن با معانی مشابه با هدف جستجوی مفاهیم و برای کشف چستی (Essence) پدیده تحت بررسی، ایجاد می شود. بسیاری از روش های کیفی تحت همین مضمون قرار می گیرند اگرچه دارای روش های گدگذاری و بینش تئوریک متفاوتی هستند. اگر چه این روش تجزیه و تحلیل اشاره به شکل خاصی از تجزیه و تحلیل دارد ولیکن معنی و استفاده از آن مبهم باقی مانده است. روش تجزیه و تحلیل درون مایه ای باید بعنوان روشی مجزا و با ویژگی های خاص خود در نظر گرفته شود (Braun & Clarke, 2006). این تفاوتها آن چنان پررنگ هستند که نمی توان مرز میان پژوهشها را نادیده گرفت؛ حتی در انجام تئوری زمینه‌ای بروش سنتی آن، این اعتقاد وجود دارد که یک واقعیت وجود دارد ولی فقط به طور ناقص درک می شود (Mills و همکاران، 2006) و این با رویکرد جدید آن در تضاد است.

دلیل دیگر اینست که اکثر پژوهشگران از واژه انعطاف پذیری (Flexibility) برداشتی متفاوت از آنچه در مورد این واژه در متون روش شناسی کیفی بچشم می خوردند دارند. مثلاً استفاده بین روشی مراحل تجزیه و تحلیل را به بهانه انعطاف پذیری جایز می شمارند. یا اینکه اصول گردآوری و سازماندهی داده ها را بر اساس آنگونه که قبلاً به اشتباه یاد گرفته اند و بدون استناد به منابع علمی معتبر اجرا می کنند. در بدترین حالت با ایجاد وقفه بین مراحل اجرای روش کار یا اجرای چند مرحله کار بصورت همزمان، و نیز تقسیم کار جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها بین دو یا چند نفر اصول جمع آوری داده ها را نقض می کنند و اینکار را به اصل انعطاف پذیری نسبت می دهند. نقطه خطر اینجاست که هم پوشانی معرفت شناختی، زیبایی شناختی، اخلاقی و روش های اجرایی میتواند به ایجاد یک دیدگاه عمومی از پژوهش کیفی منجر شود؛ خانواده ای از رویکردها که شباهت‌ها مهمتر از تفاوتها در نظر گرفته شده و انعطاف پذیری مهمترین ارزش و بهانه قلمداد می شود. این موضوع در متون جدید و قدیم بکرات

حاضر. نیاز به انسجام و و ثبات زمانی مهم تر می شود که خطر ابهام روشها (Method-slurring) قوت می گیرد. هر روش پژوهش باید به بنیان های فلسفی و روش شناسی اش وفادار بوده و آنها را در جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل نشان دهد (Holloway & Todres, 2005).

دوم اینکه طرح پژوهش کیفی از گذشته همیشه بسیار آزاد و رها و بدون قید و بند در نظر گرفته شده است. مثلاً اهداف دقیق مطالعه در شروع مطالعه مشخص نشده و تصمیم درباره چگونگی جمع آوری داده ها و نوع داده هایی که با انجام کار تکوین خواهد شد مبهم بوده است. در واقع اگر روی موضوعی قبلاً پژوهشی انجام نشده است هدف پژوهش بسادگی اکتشافی بیان شده یا افزایش درک در آن زمینه بهانه اجرای کار بوده است (Green & Thorogood, 2007). عدم اعتقاد به عینی سازی فرآیند پژوهش مشخصاً پایبندی پژوهشگر به سایر ملزومات اجرای کار را غیر ممکن می سازد. برای پژوهشگرانی که معتقد به عینی بودن دانش نیستند بلکه می پندارند که همیشه با اهداف، دیدگاه ها و فعالیت های آنانی که می سازندش شکل داده می شود، استفاده از پایایی بین پرسشگران (Inter-rater reliability) برای عینی سازی طرح گدگذاری بی معنی است (Yardley, 2000). پژوهش کیفی خوب، پژوهشی است که دارای هدفی شفاف بوده و میان سوالات پژوهش و روش کار انسجام وجود داشته باشد و داده هایی معتبر و قابل اعتماد ارائه دهد (Ritchie & Lewis, 2003).

سومین دلیل این است که پژوهشگران آنچنانکه شایسته است به مرز میان روش های پژوهش کیفی توجه نمی کنند و براحتی به مرز و حیطه روش های مختلف وارد می شوند بدون اینکه از ترکیب روش ها در گزارش پژوهش خود نامی ببرند. مثال زیر نشان دهنده شباهت های روش های پژوهش کیفی به یکدیگر و در عین حال مجزا بودنشان است: اگرچه داروهای هم خانواده در یک گروه ژنریک (آسپرین، بافرین و تیلنول) اغلب با یکدیگر قابل تعویض و جابجایی اند و در درمان وضعیت های مشابه نیز بکار می روند با وجود این دارای ترکیبات شیمیایی و شناسه های درمانی خاص خود هستند. بنابراین، اگرچه عناصر ژنریک بین روش های کیفی وجود دارد ولی هر یک مشخصات و جهان بینی های مجزا و خاص خود دارند (Holloway & Todres, 2005). متأسفانه امروزه بعنوان مصداقی از مشکل فوق از اصول گدگذاری یک روش برای گدگذاری متن با روش کار دیگر استفاده می کنند و بدین وسیله از مسیر مستند و صحیح تجزیه و تحلیل روش خاص

کار گرفت. بیان این نکته ضروری است که روش تئوری زمینه‌ای بر جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن متمرکز بوده و حساسیت کمتری بر چگونگی روش‌های جمع آوری داده‌ها دارد (McCann & Clark, ۲۰۰۳). البته فراموش نشود که بعنوان مشخصه‌ای منحصر بفرد، زمانی که از روش تئوری زمینه استفاده می‌شود که پژوهش دارای مراحل زمان بندی اجرایی خاصی نیست. جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و فرمولاسیون تئوری زمینه‌ای همزمان رخ می‌دهد. اگرچه این مورد ممکن است برای برخی پژوهشگران ابهام برانگیز باشد از آنجایی که سامان دهی به فرآیند پژوهش را بعنوان یک کل مشکل می‌سازد (Backman Kyngas & ۱۹۹۹). می‌توان نتیجه گرفت که هر روش مجزا و خاص خود بوده و هریک دارای مشخصات منحصر به فرد در نوع سوالاتی که پاسخ می‌دهند، نحوه جمع آوری داده، چگونگی تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج می‌باشند (Holloway & Todres, ۲۰۰۵). در نهایت اعتبار (Credibility) روش‌های پژوهش کیفی فقط در صورتی تأیید خواهد شد که پژوهشگران صراحتاً و دقیقاً مراحل جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل خود را شرح دهند. انجام اینکار برای جلوگیری از مخلوط شدن و ابهام میان روش‌ها ضروری است (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰).

جمع بندی تمام دلایل عدم وجود انسجام به این نکته مهم ختم می‌شود که پژوهشگران و داوران روش‌شناسی کیفی به معیارهای یکسان و مشابه‌ای برای داوری و نقد پژوهش‌های کیفی دست نمی‌یابند. تعدد و گوناگونی روش‌های کیفی به مشکل عدم یکپارچگی و انسجام روش‌شناسی کیفی دامن می‌زند. بی‌تمایلی پژوهشگران کیفی به اجماع بر روی مجموعه‌ای واحد از روش‌ها، پیش‌فرض‌ها و اهداف منجر به سردرگمی و بدبینی نسبت به روایی کارها هنگام داوری پژوهش‌ها شده است (Yardley, ۲۰۰۰). طبیعی است که داشتن درک مشترک از معیارهای انتقاد پژوهش‌ها به همه کمک می‌کند تا روش پژوهش را بدرستی اجرا نموده و پاسخ قانع‌کننده‌ای به انتقادات داشته باشند (Given, ۲۰۰۸). عدم انجام پژوهشی منسجم علاوه بر کاهش اعتبار یافته‌ها و عدم پذیرش آن توسط جوامعی که قصد استفاده از محصول پژوهش را دارند، سبب عدم رعایت موازین اخلاقی پژوهش مبنی بر تعهد پژوهشگر برای ارائه یافته‌هایی قابل اعتماد می‌شود. در ادامه راهکارهایی برای پیشگیری و کاهش موارد عدم انسجام و در نهایت افزایش اعتبار پژوهش ارائه می‌شود.

راهکارهای ارتقاء انسجام روش‌شناسی کیفی

دیده می‌شود (Holloway & Todres, ۲۰۰۵). همه مدافع مفهوم اختصاصی بودن (Appropriateness) روش پژوهش هستند و نه دفاع از روش بخاطر روش یا دفاع از یک روش خاص بر علیه روشی دیگر. پژوهشگرانی که معتقد به رویکرد عمومی کیفی هستند موضوع انعطاف پذیری (Flexibility) را مورد تأکید قرار می‌دهند. این دیدگاه متکی بر یک ایده یونانی است بدین معنی که "موضوع، تعیین کننده روش بررسی آن است" نه اینکه روش تعیین کند که موضوع چگونه مورد بررسی قرار گیرد. انعطاف پذیری بطور علمی بگونه‌های زیر امکان پذیر است؛ مثلاً برخی اجزای تئوری زمینه‌ای در سایر رویکردها قابل استفاده اند، نمونه گیری تئوریک (Theoretical sampling) بویژه توسط بسیاری از پژوهشگران کیفی که می‌توانند به اشکال مختلف به روش پژوهش کیفی جهت بدهند قابل استفاده می‌باشد. و ارائه یافته‌ها ممکن است بین روش‌ها مشابه باشد بخصوص زمانی که تمرکز بر معنی و تفسیر تجربه است. هرچند شباهت‌هایی که با تئوری زمینه‌ای یافت می‌شود لزوماً به این معنی نیست که روش تئوری زمینه‌ای در حال اجراست. برای چنین نامگذاری بایستی سایر عناصر مهم تئوری زمینه‌ای مثلاً همزمانی جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها و در نهایت تکوین تئوری برقرار باشد. یا اینکه بعنوان بخشی از نمونه گیری مبتنی بر هدف، روش نمونه گیری گلوله برفی (Snowball) برای یافتن مشارکت کنندگانی که داده‌های غنی تری دارند و متمایل به شرکت در پژوهش هستند در اغلب روش‌های کیفی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (Holloway & Todres, ۲۰۰۵). در این رویکرد پژوهشگران از مشارکت کنندگان کلیدی (Key informant) خواهند خواست که همکاران خود را که توانایی مشابه‌ای برای ارائه داده‌های غنی دارند معرفی نمایند. این رویکرد بویژه برای پژوهشگران ناآشنا با محیط پژوهش مورد تأکید قرار گرفته است (Ulin و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین روش گلوله برفی در پژوهش کیفی برای رسیدن به حداکثر واریانس نمونه گیری (Maximum variation) مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش مقایسه مداوم نیز، بخش جدایی ناپذیر تمامی رویکردهای پژوهش کیفی است. هدف این روش مقایسه نظرات و تجربیات افراد مختلف بر روی یک پدیده و تعیین چرایی تفاوت‌ها و شباهت‌های تجارب و نظرات و چگونگی ارتباط میان آن‌هاست (Given, ۲۰۰۸). یا در جایی که خلاقیت امکانپذیر باشد و برای آن دلیل علمی قاطعی وجود داشته باشد می‌توان بخش‌هایی از جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل سایر روش‌ها را در روش تئوری زمینه‌ای به

- نقص در یافتن شواهد حمایتی قوی نسبت به وجود راه‌های جایگزین و یافته‌هایی مخالف با آنچه اکنون بدست آمده به افزایش اعتماد به یافته‌های اولیه و تفسیر ارائه شده توسط پژوهشگر منجر شده و کمک می‌کند تا از انسجام کار خود مطمئن شود. در این میان بخشی از گزارش پژوهش که به توجیه تفسیرهای جایگزین پرداخته و بیان می‌کند که چرا دلایل دیگر در چارچوب پژوهش موردنظر قرار نمی‌گیرد از مهمترین بخش‌های گزارش پژوهش هستند (Chiovitti & Piran, ۲۰۰۳). چالش مهم تطابق دادن مناسب روش‌های پژوهش با سوالات پژوهش است و نه حمایت کلی از یک روش برای پاسخ به تمام سوالات. بنابراین، با ترکیب نمودن چندین مشاهده‌کننده، روش و منبع جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگران می‌توانند گام‌های مؤثری در غلبه بر بدبینی‌هایی که بخاطر استفاده از یک روش تنها و یا یک فرد تجزیه و تحلیل‌کننده بوجود می‌آید بردارند. چیزی که از این مرور بدست می‌آید اینست که باید بین مقالاتی که روش‌شناسی‌ها را با یکدیگر مخلوط می‌کنند و این تقاطق را مغتنم می‌شمارند و از آن با هدف تعمیق پژوهش استفاده می‌کنند با سایر پژوهش‌هایی که در زیر مجموعه مخشوش شدن روش‌ها (Slurring) قرار می‌گیرند خط جدایی کشید (Wimpenny & Gass, ۲۰۰۰). مشکل عدم انسجام روش‌های پژوهش کیفی را نمی‌توان با ساختن حصار مطلق بدور روش‌های پژوهش مختلف ایجاد نمود. اینکه پژوهشگران کیفی، روایی کارشان را به این بدانند که رویکردهای مختلفی که یک پدیده را بررسی می‌کنند حتماً یک نتیجه را بدست خواهند آورد استنباطی غلط است. این تفکر بدین دلیل بدست می‌آید که پژوهشگران فکر می‌کنند همه بایستی دیدگاه یکسانی نسبت به نمونه‌ها داشته باشند و نیز انتظارات خودشان را به نمونه‌ها تحمیل کنند (Patton, ۱۹۹۹; Parker, ۲۰۰۴). استفاده از روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها برای اطمینان از اینکه تئوری بدست آمده واقعاً از داده‌ها ریشه گرفته ضروری است (Duffy و همکاران, ۲۰۰۴).
- به اشتراک گذاشتن مراحل و یافته‌های پژوهش‌ها با پژوهشگران برجسته کیفی راهی مناسب برای توسعه کیفیت تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش تئوری زمینه‌ای است (Eaves, ۲۰۰۱). با این کار درک ناسازگاری‌ها در یافته‌ها می‌تواند روشن‌کننده و آگاهی بخش باشد. یافتن چنین ناسازگاری‌هایی نباید بعنوان ضعف اعتبار کار در نظر گرفته شود بلکه به عنوان فرصتی برای تعمیق بینش در زمینه رابطه بین پژوهش و پدیده تحت بررسی می‌باشد. تضادها و
- برآیند بخش قبلی حاکی از وجود نقاط ضعف و مسیرهای انحرافی بسیار برای ایجاد عدم انسجام در روش‌شناسی کیفی است که در زیر تعدادی از راهکارهای افزایش انسجام پژوهش بیان می‌گردد:
- به عنوان پژوهشگر یا خواننده یک گزارش پژوهشی مهم است که زمینه فلسفی روش پژوهش را برای نقد پژوهش درک شود. درک نادرست پژوهشگران از فلسفه پژوهش منجر به انتخاب و استفاده نادرست از روش پژوهش شده است (Corben, ۱۹۹۹). ایده‌آل‌های فلسفی و ساختارها در پژوهش حیاتی‌اند و سبب ایجاد تداوم و انسجام پژوهش و نتایج آن می‌شوند. فلسفه اختصاصیت، فرآیندهای روش‌شناختی پژوهش را تعیین نموده و هادی پژوهشگر در تجزیه و تحلیل داده‌هاست. همچنین ارتباط نکات مختلف و مفاهیم پژوهش را ممکن می‌سازد. این موضوع در پژوهش کیفی که پراکندگی روش بیشتری نسبت به کمی دارد مهمتر است (Mackey, ۲۰۰۵). مثلاً در فلسفه رأیسم جایی که پژوهشگر بخش مکمل فرآیند پژوهش نیست، تلاش می‌کند تا بی طرف و عینی بماند و این نکته حین نقد نتیجه پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد که آیا پژوهشگر این نقش خود را به خوبی ایفا کرده یا نه، مثلاً با پرسیدن سوالات یکسان از تمام مشارکت‌کنندگان در مصاحبه نیمه ساختاری (Finlay & Ballinger, ۲۰۰۶).
- افزایش اعتبار عناصر روش‌شناسی کیفی وابسته به سه رخداد مجزا و درعین حال بهم مرتبط است: روش‌های معتبر برای جمع‌آوری داده‌های باکیفیت که بطور دقیق بررسی و موشکافی شده باشند، اعتبار پژوهشگر که وابسته به آموزش و تجربه، عقاید فلسفی در رابطه با ارزش پژوهش کیفی، تجزیه و تحلیل استقرایی، نمونه‌گیری هدفمند و تفکر کل‌نگرانه است (Patton, ۱۹۹۹). همراه با تعیین طرح پژوهش وظایفی نظیر بررسی سوالاتی که باید پاسخ داده شوند، تعیین نوع مطالعه، چگونگی داده‌ها تشخیص داده شده، جمع‌آوری می‌شوند یا تجزیه و تحلیل می‌گردند. در این حال بایستی بین عناصر پژوهش نظیر نوع مطالعه و قابلیت روش‌های جمع‌آوری داده‌ها برای پاسخگویی به سوالات انسجام وجود داشته باشد (Green & Thorogood, ۲۰۰۴). از دیدگاه علمی، استفاده از روش مناسب برای پاسخ‌گویی به سوال پژوهش موضوع ترجیحات و دیدگاه‌های ما نیست بلکه زیربنای اساسی روایی و انسجام روش‌شناسی است (Schreiber & Noerager Stern, ۲۰۰۱).

۲۰۰۶). حین آموزش روش پژوهش باید بیاد داشت که اگرچه این امکان وجود دارد تا به کمک آموزش دو نفر یک متن را به یک شکل گددهی کنند ولیکن نمی توان عنصر ذهنیت را در تفسیر داده ها حذف نمود. به علاوه، استفاده از قوانین از پیش تعیین شده و انعطاف ناپذیر برای گدگذاری، احتمال تفسیر ظریف، خلاقانه و زمینه محور را محدود می نماید (Yardley, ۲۰۰۰). گدگذاری می تواند در چارچوب هر روش با انعطاف پذیری انجام شود.

نتیجه گیری

آنچه از مروری بر مطالعات بدست می آید این است که عوامل مختلفی می توانند زمینه ساز عدم انسجام پژوهش های کیفی شوند. عدم انسجام در پژوهش کیفی سبب کاهش دقت و اعتبار یافته های پژوهش ها گشته و در طولانی مدت منجر به تنوع زیاد روش های پژوهش کیفی و ناتوانی در قضاوت در مورد کیفیت گزارش پژوهش های کیفی به دلیل گسترش بیش از حد معیارهای انجام روش پژوهش کیفی گردند. بنابراین، همه پژوهشگران و صاحب نظران کیفی بایستی در کار خود و داوری پژوهش های سایرین، معیار انسجام را مهمترین معیار ارزش کار قرار دهند.

تشکر و قدردانی

ناهنمخوانی ها در تفاسیر گوناگون از پژوهش به ما می گوید که بایستی مفروضات و هستی شناسی این روش را شفاف تر شود. در این میان تناسب (Fit) که بمعنی هماهنگی تئوری با موقعیت تجربی اجتماعی است شایسته توجه ویژه ای است (Lomberg & Kirkevold, ۲۰۰۳).

- تفکر بر روی خود (Reflexivity) بعنوان راهکاری مناسب برای کاهش تأثیر پژوهشگران روی داده ها و بعنوان جزء لاینفک فرآیند تجزیه و تحلیل داده ها و مقایسه مداوم در پژوهش تئوری زمینه ای لحاظ می شود (McGhee و همکاران، ۲۰۰۷) در افزایش انسجام کار و پیشگیری از تخطی از معیارهای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها مفید است.
- مهم است که تفاوت های بین روش های کیفی شناخته شود. بیشتر بدلیل نا آشنایی به این تفاوت هاست که تخطی از حیطه های روش های مختلف منجر به استفاده نادرست از آن ها و لذا جمع آوری نادرست داده ها و زیر سوال رفتن دقت کار (Rigour) می شود (Corben, ۱۹۹۹). در این میان کتب مرجع روش پژوهش کیفی بهترین منابع هستند و باید بعنوان سند و تکیه گاه پیشبرد پژوهش قرار گیرند.
- شروع اولین تجربه پژوهش کیفی با روش آنالیز درون مایه ای بسیار مثمرتر خواهد بود و باید بعنوان روش پایه و اولیه تجزیه و تحلیل کیفی مدنظر قرار گیرد. این اولین رویکرد کیفی است که باید به پژوهشگران جوان آموخته شود زیرا مهارتهای اساسی که برای هدایت سایر اشکال تجزیه و تحلیل کیفی ضروری است فراهم می آورد (Braun & Clarke).

REFERENCES

- Backman K Kyngäs HA (1999). Challenges of the grounded theory approach to a novice researcher. *Nursing and Health Sciences*. 1 (3) 147-153.
- Braun V Clarke V (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2) 77-101.
- Bunch EH (2004). Commentary on the application of grounded theory and symbolic interactionism. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*. 18 (4) 441.
- Chiovitti R Piran N (2003). Rigour and grounded theory research. *Journal of Advanced Nursing*. 44 (4) 427-435.
- Corben V (1999). Misusing phenomenology in nursing research: Identifying the issues, *Nurse Researcher*. 6 (3) 52-66.
- Cutcliffe J (2005). Adapt or adopt: Developing and transgressing the methodological boundaries of grounded theory. *Journal of Advanced Nursing*. 51 (4) 421-428.
- Duffy K Ferguson C et al (2004). Data collecting in grounded theory-some practical issues. *Nurse Researcher*. 11(4) 67-78.
- Eaves YD (2001). A synthesis technique for grounded theory data analysis. *Journal of Advanced Nursing*. 35 (5) 654-663.
- Finlay L Ballinger C (2006). *Qualitative Research for Allied Health Professionals: Challenging Choices*. First edition, London, John Wiley & Sons Ltd.
- Given LM (2008). *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods*. Volume 1& 2. 1st edition. Los Angeles, SAGE Publication.
- Green J Thorogood N (2004). *Qualitative Methods for Health Research*. 1st edition, London, SAGE Publications.

- Holloway I Todres L (2003). The status of method: Flexibility, consistency and coherence. *Qualitative Research*. 3 (3) 345-357.
- Holloway I Todres L (2005). The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence. In *Qualitative Research in Health Care*. Holloway I [Ed.], First edition, London, Open University Press.
- Jeon YH (2004). The application of grounded theory and symbolic interactionism. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*. 18 (3) 249-256.
- Kennedy T Lingard L (2006). Making sense of grounded theory in medical education. *Medical Education*. 40 (2) 101-108.
- Lomborg K Kirkevoold M (2003). Truth and validity in grounded theory—a reconsidered realist interpretation of the criteria: Fit, work, relevance and modifiability. *Nursing Philosophy*. 4 (3): 189-200.
- Mackey S (2005). Phenomenological nursing research: methodological insights derived from Heidegger's interpretive phenomenology. *International Journal of Nursing Studies*. 42 (2) 179-186.
- Madill A Gough B (2008). Qualitative research and its place in psychological science. *Psychological Methods*. 13 (3) 254-271.
- McCann TV Clark E (2003). Grounded theory in nursing research: Part 3-application. *Nurse Researcher*. 11 (2) 29-39.
- McGhee G Marland G Atkinson J (2007) Grounded theory research: literature reviewing and reflexivity. *Journal of Advanced Nursing*. 60 (3) 334-342.
- Mills J Bonner A et al (2006). Adopting a constructivist approach to grounded theory: Implications for research design. *International Journal of Nursing Practice*. 12 (1) 8-13.
- Parker I (2004). Criteria for qualitative research in psychology. *Research in Psychology*. 1 (2) 95-106.
- Patton MQ (1999). Enhancing the quality and credibility of qualitative analysis. *Health Services Research*. 34 (5) 1189-1208.
- Pope C Mays N (2006). *Qualitative Methods in Health Research*. 3rd edition, London, Blackwell Publications.
- Ritchie J Lewis J (2003). *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*. 1st edition, London, SAGE Publications.
- Salsali M Parvizi S Adib-HajBagheri M (2007a). [Qualitative Research]. 1st edition, Tehran, Boshra Publications. (Persian).
- Salsali M Taleghani F Barimzadeh M (2007b). [Philosophy, Knowledge and Nursing Theories]. 1st edition, Tehran, Boshra Publications (Persian).
- Salsali M (2004). [Using Nursing Research: Process, Critical Evaluation and Utilization]. First edition, Tehran, Boshra Publications [Persian]. [Translation] Dempsey PA, Dempsey AD (2000). 50th edition, Lippincott Williams & Wilkins Publishing (Persian).
- Schreiber RS Noerager Stern P (2001). *Using Grounded Theory in Nursing*. First edition, Springer Publishing Co.
- Stenbacka C (2001). Qualitative research requires quality concepts of its own. *Management Decision*. 39 (7) 551-555.
- Ulin PR Robinson ET et al (2008). *Qualitative Methods in Public Health: A field Guide for Applied Research*. First edition, San Francisco, Jossey-Bass Publication.
- Willig C (2008). *Introducing Qualitative Research in Psychology: Adventures in Theory and Method*. 2nd edition, London, Open University Press.
- Wimpenny P Gass J (2000). Interviewing in phenomenology and grounded theory: Is there a difference. *Journal of Advanced Nursing*. 31 (6) 1485-1492.
- Yardley L (2000). Dilemmas in qualitative health research. *Psychology and health*. 15 (2) 215-228.